

ابعاد امنیتی سیاست خارجی



۶

ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده مطالعات راهبردی

○ سید حسین ولی پور زرومی
محقق مرکز تحقیقات استراتژیک

○ ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
○ مقصود رنجبر
○ پژوهشکده مطالعات راهبردی
○ ۱۳۷۸، ۲۶۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه

مقصود رنجبر در «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی و تحلیل سیاست خارجی و نتایج آن در خصوص تقویت و یا تضعیف ضریب امنیتی کشور پرداخته که کاری تازه و در خور توجه می‌نماید. در پیشگفتار کتاب که توسط ناشر نوشته شده، ضمن اشاره به مفهوم و حساسیت «امنیت»، ضرورت پرداختن به این موضوع به طور کامل تشریح گردیده است. در ادامه، مقدمه نویسنده آمده که به تبیین پرسش اصلی تحقیق و فرضیه آن اختصاص دارد. سوال اصلی مولف این است که «آیا در نتیجه دگرگونی در نظام بین الملل و تحول مفهومی‌ای که در واژه امنیت حاصل آمده، آیا تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز دگرگون شده است یا خیر؟ پاسخ اجمالی ای که در حکم فرضیه مولف می‌باشد، چنین است: «در نتیجه [این] تحولات... مفهوم امنیت ملی در ایران نیز از ماهیت نظامی و خارجی دگرگون گشته و بیشتر ماهیت اقتصادی و داخلی پیدا کرده است»

بخش اول کتاب با عنوان «مباحث نظری درباره امنیت» مشتمل بر سه فصل است که هر یک چندین گفتار را شامل می‌شود. فصل اول به «مفهوم امنیت در برداشتی سنتی» اختصاص دارد. نویسنده در این فصل ضمن بررسی منابع ناامنی و تهدیدات از دیدگاه‌های مختلف و همچنین طرح ویژگی ذهنی بودن امنیت دو وجه و مشخصه اصلی امنیت ملی در تعاریف سنتی را «تهدیدات خارجی» «ماهیت نظامی تهدیدات» می‌داند. برای فهم بیشتر مفهوم سنتی امنیت ملی، مبانی تاریخی و تئوریک این برداشت مورد تبیین قرار گرفته است.

در دوره زمانی ۱۶۴۸ (صلح وستفالی) تا میانه سده بیستم، عواملی نظیر تشکیل دولت ملی، جنگ‌های متمادی، موازنه قوا، نظام اتحادیه‌ها، تفکرات نظامی‌گرا، زمامداران، پدیده ناسیونالیسم و رقابت‌های استعماری دول اروپایی، باعث شکل‌گیری و تقویت مفهوم سنتی امنیت ملی شد. ریشه‌های تئوریک این برداشت را نیز باید در اندیشه‌های واقع‌گرایی (که در دوران جدید از زمان توماس هابز شروع می‌شود) جستجو نمود. مفروض‌های اساسی برداشت سنتی این موارد است: ۱. دولت‌ها بازیگران اصلی در نظام بین‌المللی هستند ۲. سیاست داخلی از سیاست خارجی تفکیک می‌شود. ۳. زور به عنوان یک ابزار اساسی در نظام بین‌الملل مطرح است. ۴. امنیت نظامی مهم‌ترین مساله کشورهاست. ۵. سیاست بین‌الملل یعنی کشمکش بر سر قدرت.

در ادامه این فصل نویسنده با استمداد از نظریات «محمدایوب» و «لیلوید» به بیان و اثبات نارسایی مفهوم سنتی امنیت پرداخته و با توجه به انتقادات «آذر» و «هون» نسبت به این مفهوم، رهیافت سنتی امنیت ملی را که بر سخت‌افزارهای نظامی استوار است، برای کشورهای جنوب ناکارآمد می‌داند. مشروعیت (ارتباط مردم با دولت)، همگرایی (ارتباط مردم با یکدیگر) و توانایی سیاست خارجی، به عنوان سه جزء اصلی مفهوم امنیت نرم‌افزاری مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. در انتهای این فصل نیز نویسنده با مطرح کردن نظریات «بال» در خصوص رابطه میان امنیت و توسعه به این نتیجه می‌رسد که در جهان سوم این رابطه منفی بوده و مطرح بودن امنیت به عنوان اولویت اول، همواره توسعه کشور را به عنوان اولویت‌های ثانوی تحت الشعاع قرار داده است. ضمن اینکه رابطه امنیت با هزینه‌های نظامی در جهان سوم نیز، نشانگر یک رابطه منفی است. مولف خاورمیانه مسلح را به عنوان ناامن‌ترین منطقه جهانی شاهد و گواهی بر ادعای

خود آورده است.

در فصل دوم تحت عنوان «مفهوم نوین امنیت» نویسنده نخست، مقصود خود را از مفهوم نوین امنیت مشخص کرده و آن را از نظریات آرمان‌گرایانه در خصوص جهان‌گرایی و همچنین امنیت بین‌المللی متمایز می‌سازد. این مفهوم نوین دارای دو ویژگی عمده است: ۱. وجه داخلی ۲. عوامل اقتصادی که در ادامه بحث از دو دیدگاه نظری و عینی موردکاوش قرار می‌گیرد. از دیدگاه نظری پیدایش نظریه وابستگی متقابل اقتصادی که با تحولات ایجاد شده در اروپا و ایجاد اتحادیه اروپایی شکل عینی یافت و همچنین نظریه لیبرال‌گرایی بین‌المللی (نتولیرالیسم) موجب بازبینی مجدد در امنیت ملی و طرح مفهوم نوین امنیت شده است. از جنبه عینی نیز نویسنده پایان جنگ سرد و کاهش نقش توانمندی‌های نظامی را به عنوان نقطه عطف این تحول ذکر می‌کند. در صدر نشستن آلمان و ژاپن که از نظر اقتصادی حرفی برای گفتن داشتند و همچنین تاثیر منفی و جبران‌ناپذیر مسابقه‌های تسلیحاتی بر روند توسعه اقتصادی (به عنوان مثال در شوروی سابق) موجب اهمیت یافتن عوامل اقتصادی در تعریف جدید امنیت شدند. پیدایی مسایلی چون هویت سیاسی و مشروعیت سیاسی در فرایند ملت‌سازی و توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم نیز جنبه داخلی امنیت را اعتبار ویژه‌ای بخشید.

در آخرین فصل تحت عنوان «دگرگونی در نظام بین‌الملل و تحول مفهوم امنیت» نویسنده ضمن اشاره به تغییر در ساختار نو قطبی نظام بین‌الملل، بر امکان سنجی در خصوص تحقق هر یک از سه احتمال سلطه تک قطبی، نظام چند قطبی و نظام سه قطبی، می‌پردازد و در نهایت از محوری شدن اقتصاد، تحول نقش سازمان ملل و کارآمدی جدیدان و استفاده از تحریم‌های اقتصادی در دوران جدید، به عنوان ویژگی‌های عمده نظام کنونی بین‌المللی یاد می‌کند. با این بررسی و پشتوانه نظری از امنیت ملی، نویسنده تلاش دارد تا در بخش بعدی ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران و منابع ناامنی و راه‌های تامین امنیت ملی کشور را در شرایط کنونی نظام بین‌المللی بررسی کند.

بخش دوم کتاب تحت عنوان «عوامل تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول نویسنده، چهارچوب مطالعات امنیتی ایران را به دست می‌دهد. در ابتدای این بحث نویسنده توضیح می‌دهد که هدفش تفسیر است، نه تجویز. آنگاه به نکته‌ای مهم که در مقدمه این بررسی به آن اشاره کردیم توجه می‌دهد و آن جنایی موجود میان نتایج تحقیقات و یافته‌های علمی با مواضع سیاسی است. با این اشاره، نویسنده بررسی و کشف مهم‌ترین تهدید امنیتی بر ضد ایران را به عنوان سوال پژوهشی این بخش از کتاب مطرح می‌کند. در سطح داخلی، اختلافات نظری فراوانی در خصوص اهداف امنیت ملی کشور وجود دارد. دست کم پنج دسته از این دیدگاه‌ها عبارتند از:

۱. دیدگاهی که مساله اقتصادی را به عنوان استراتژیک‌ترین مساله جمهوری اسلامی می‌داند.
۲. دیدگاهی که توسعه سیاسی و آزادی‌های مدنی را به عنوان شرط اولیه اهداف امنیت ملی معرفی می‌نماید.
۳. دیدگاهی که حفظ اصول انقلاب را برتر از هر چیزی حتی برتر از نظام، تلقی می‌کند.
۴. دیدگاهی که همچنان بر برداشت سنتی از امنیت

تشکیل دولت ملی، جنگ‌های متمادی، موازنه قوا، نظام اتحادیه‌ها، تفکرات نظامی گریانته زمامداران، پدیده ناسیونالیسم و رقابت‌های استعماری دول اروپایی باعث شکل‌گیری و تقویت مفهوم سنتی امنیت شد



کاهش نقش توانمندی‌های نظامی در پایان جنگ سرد و در صدرنشستن آلمان و ژاپن که اقتصادی قدرتمند داشتند و نیز تأثیر منفی و جبران‌ناپذیر مسابقه‌های تسلیحاتی بر روند توسعه اقتصادی در شوروی سابق، موجب اهمیت یافتن عوامل اقتصادی در تعریف جدید امنیت شد



نویسنده نه تنها در سطح بین‌المللی، به بررسی تهدید آمریکا بسنده می‌کند بلکه این تهدید را با توجه به فرضیه تحقیق، فقط به سطح عوامل اقتصادی تنزل می‌دهد



توجیه حضور نظامی آمریکا در منطقه، معاملات کلان و پر سود تسلیحاتی، جلوگیری از نفوذ ایران در آسیای مرکزی و کنترل قیمت نفت، از اهداف عمده آمریکا در تحریم اقتصادی ایران است

ملی و حفظ توانایی‌های نظامی کشور تأکید می‌کند. ۵- دیدگاهی که مبارزه با آمریکا را به عنوان اصلی‌ترین شرط بقا و امنیت کشور ذکر می‌کند.

نویسنده برای طراحی چهارچوب امنیتی جمهوری اسلامی ایران به نظریات «کالابرز» در خصوص امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. این دیدگاه محیط امنیتی ایران را ناشی از تعامل داخلی و بین‌المللی می‌انگارد و این محیط را دارای عناصر ذیل می‌داند: ۱- فشار تک‌قطبی بعد از فروپاشی شوروی؛ ۲- مبارزه برای نفت؛ ۳- خطرهای مسابقه تسلیحاتی.

در انتهای فصل، با کمک مباحث بالا، چهارچوبی چندبعدی از امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران طراحی می‌کند که براساس آن منابع ناشی ایران هم داخلی هستند و هم خارجی. سطح خارجی می‌تواند به دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم گردد. هر کدام از این سطوح دارای چهار بعد اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی هستند که تأکید نویسنده بر بعد اقتصادی است.

در فصل دوم «منابع تهدید امنیت ایران در سطح بین‌المللی» مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا نویسنده با ذکر اینکه آمریکا در سطح بین‌المللی مهمترین منبع

تهدید امنیتی ایران است در عمل به نظریه تک قطبی بودن تهدید امنیت ایران در سطح بین‌المللی متمایل می‌گردد. هر چند هدف نویسنده از به کارگیری این روش نشان دادن اهمیت تهدید آمریکا است ولی نمی‌توان به راحتی از سایر حوزه‌های تهدید در این سطح بگذریم. به عنوان مثال مسئله «جهانی شدن» در سالهای اخیر تهدیدات و فرصتهای مختلفی را برای هر کشور از جمله ایران خلق نموده که باید به آن توجه نمود. نویسنده نه تنها به بررسی تهدید آمریکا بسنده می‌کند بلکه این تهدید را با توجه به فرضیه تحقیق، فقط به سطح عوامل اقتصادی تنزل می‌دهد. در صورتی که برای گرفتن نتایج علمی بهتر آن بود تا سایر زمینه‌های تهدید نیز مورد دقت قرار می‌گرفت و از آن طریق، وزن هر یک از آنها به خوبی سنجیده می‌شد. چه بسا در برخی از این بررسی‌ها نتایج حاصله، کاملاً با فرضیه ابتدایی متفاوت باشد.

در هر حال نویسنده قبل از طرح تهدیدهای اقتصادی آمریکا علیه ایران به بررسی گرایش‌های موجود در این دو کشور نسبت به یکدیگر می‌پردازد. در آمریکا سه گرایش خصمانه، متعادل و رسمی و گرایش مصالحه جویانه وجود دارد در ایران نیز سه گرایش تداوم قطع رابطه با آمریکا، برقراری رابطه با آمریکا و برخورد مقتدرانه در سیاست خارجی به چشم می‌خورد. با این توضیح تهدیدهای اقتصادی آمریکا علیه ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در اینجا نویسنده ضمن بررسی مبانی تئوریک این تحریم‌ها، به اهداف آمریکا در پی‌گیری تحریم‌های اقتصادی می‌پردازد. این اهداف در سطح ادعای مقامات آمریکا در تغییر رفتار ایران خلاصه می‌گردد. ولی در پشت این اهداف ادعایی، اهداف عمده دیگری نهفته است: توجیه حضور نظامی آمریکا در منطقه، معاملات کلان و پر سود تسلیحاتی، جلوگیری از نفوذ ایران در آسیای مرکزی و کنترل قیمت نفت.

در فصل سوم «تهدیدات و منابع ناامنی ایران در سطح منطقه‌ای» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در اینجا نویسنده یادآور می‌شود که بررسی این بخش، مهمترین چالش را با فرضیه اصلی کتاب که موضوع اقتصاد را اصل می‌داند، خواهد داشت. به عبارت دیگر در سایر حوزه‌ها از جمله رابطه ایران و آمریکا و یا اروپا می‌توان از طریق راهکارهای سیاسی وارد شد و سرانجام منافع اقتصادی راتحصول نمود، ولی در سطح منطقه‌ای رسیدن به این مقصود کمتر به دست می‌آید. در این بخش، مسایل در سه حوزه خلیج فارس، خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز به طور جداگانه بررسی می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران در هر کدام از این مناطق با چند مسأله استراتژیک روبرو می‌باشد. در خلیج فارس با مسایل نفت، امنیت دسته جمعی، و مسابقه تسلیحاتی؛ در خاورمیانه با مسأله اسرائیل و روند صلح خاورمیانه، جنبشهای اسلامی و روابط ایران با کشورهای خاورمیانه؛ و نهایتاً در آسیای مرکزی با منافع اقتصادی ایران، منابع انرژی دریای خزر و ثبات سیاسی.

در یک ارزیابی کلی، نقاط قوت و ضعف این اثر را در موارد زیر می‌توان خلاصه نمود:

۱- متن کتاب با قلمی شیوا و روان به تحریر درآمده است ضمن اینکه دسته‌بندی دقیق و منطقی فصول و مطالب کتاب برجستگی خاصی به این نوشته داده است. این دسته‌بندی خواننده را در فهم مطالب و سطح تحلیلیها و همچنین برقراری روابط منطقی میان آنها یاری می‌رساند.

۲- روشی را که نویسنده در تحلیل مطالب اتخاذ کرده به میزان زیادی بر اطلاعات همه جانبه خواننده می‌افزاید. به این معنی که نویسنده در جریان تحلیلیها حتی‌الامکان تلاش کرده دیدگاههای مختلف خارجی و داخلی را بررسی کرده و سرانجام نظر نهایی خود را ارائه نماید.

۳- هر چند فرضیه‌نویسی برای کارهای دقیق علمی امری ضروری است ولی محدود شدن به فرضیه، از توجه به سایر مطالب ضروری مانع می‌شود. در این کتاب نویسنده از ابتدا تا پایان تحقیق به آزمون فرضیه خود می‌پردازد. ولی متأسفانه پی‌گیری این مسئله، عملاً دست مؤلف را در تجزیه و تحلیل مطالب مرتبط دیگر بسته است. به اعتقاد نگارنده این سطور، نویسنده می‌توانست در عین حفظ روند آزمون فرضیه خود مطالب دیگری را نیز به میان بکشد.

۴- «مفهوم نوین امنیت» که نویسنده تعریف خاصی از آن در این کتاب می‌دهد هر چند که می‌تواند در سطح روابط بین‌الملل کاملاً واقیقت داشته باشد ولی این مسئله در کشورهای جنوب و جهان سوم هنوز نمی‌تواند کاملاً مورد استفاده قرار گیرد. تحول در نظام بین‌الملل هر چند باعث افزایش اعتبار مسایل اقتصادی و وجه داخلی امنیت شد ولی این اهمیت بیشتر در سطح کلی نظام بین‌الملل کاربرد دارد. البته اهمیت این مسایل برای کشورهای جهان سوم نیز افزایش یافته ولی این مسئله باعث نمی‌شود تا وجه نظامی و خارجی امنیت را در روابط میان کشورهای جنوب - جنوب، کم اهمیت جلوه دهیم. متأسفانه این روابط همچنان پابرجاست.

در همین زمینه جالب است به این نکته توجه کنیم که مسایلی که نویسنده به عنوان سطوح تهدیدات و منابع ناامنی ایران در سطح منطقه‌ای به آن اشاره می‌کند همگی در قالب کلی امنیت ملی جای می‌گیرد. بررسی هر کدام از این مسایل نشان می‌دهد حناقل در حال حاضر و در کوتاه مدت نمی‌توان از طریق راه حل‌های نوین امنیتی یعنی توجه به رویکرد داخلی و وجه نرم‌افزاری آن به نتیجه رسید. البته شاید در بلند مدت بتوان از طریق این رویکرد ناامنی منطقه‌ای ایران را مورد چالش قرار داد ولی در حال حاضر چنین چیزی بعید است. توجه به هر مسئله‌ای در منطقه چه در سطح روابط دو جانبه و چه در سطح روابط چند جانبه با مشکل امنیت ملی این کشورها در ارتباط است و این «امنیت ملی» عملاً بار سنتی خود را دارد. هنوز این کشورها با یکدیگر مشکلات ارضی دارند؛ حکومت‌های منطقه از جانب دولت‌های همسایه چنان مشروعیتی ندارند؛ تصورات تهدید از ناحیه دولت‌های همسایه همواره اذهان حکومت‌ها را به خود مشغول کرده است و سرانجام اینکه منطقه هر روز به سمت مسلح شدن بیشتر حرکت می‌کند با توجه به این زمینه‌ها تنها راه حلی که کشورها برای بسط روابط منطقه‌ای و خلاصی از دل‌نگرانی‌های امنیتی دارند، حل معضلات امنیتی ملی خود در روابط فی‌مابین است.

پانویس:

۱- رجوع شود به مقاله محمود سریع‌القلب «نقش و منطق ائتلاف در ثبات سیاسی خاورمیانه: مورد ایران» در میزگرد ایران و مصر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (۲۱-۲۰ تیرماه ۱۳۷۹).

کتاب مله علوم اجتماعی ۳۹ خرداد - تیر ۷۹